روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه | اول مرداد ۱۴۰۱ | ۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ | ۲۳ جولای ۲۰۲۲ | سال چهاردهم | شماره ۳۵۳۷ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۳ سال و ۲۸۰ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.14 | NO.3537 | SAT.JUL.23, 2022 | ISSN:2008-2886

بر اثر حمله توپخانه‌ای ترکیه به منطقه غیرنظامی دهوک
۹ نفر شهید و ۳۱ نفر مجروح شدند

عراق یکدست علیه جنایت اردوغان!

صفحه ۷

فصل جدید «ایرانگرد» روی آنتن می‌رود

همپای ایرانگرد برای ایران جان

صفحه ۸

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ چگونه صهیونیست‌ها و نومحافظه‌کاران آمریکایی با روی کار آوردن نئونازی‌ها در کی‌یف و ایجاد تهدیدات جدی نظامی، هسته‌ای و بیولوژیک جنگ علیه مسکو را آغاز کرده بودند

جنگ اوکراین، ضد حمله روسیه

همین صفحه

اذعان رئیس جمهور آمریکا به ابتلایش به سرطان
گمانه‌زنی‌ها درباره ناتمام ماندن دوره ریاست‌جمهوری او را تقویت کرد

بایدن: من مریضم!

صفحه ۷

تیترهای امروز

جدال نزدیک و نفسگیر والیبال ایران با لهستان

وداع سرافرازانه

■ پایان نمایش دلپذیر والیبالیست‌های جوان در لیگ ملت‌ها

صفحه ۶

پارلمان بلژیک با ۷۹ رأی موافق طرح تبادل زندانی با ایران را تصویب کرد

دیپلمات ایرانی آزاد می‌شود؟

صفحه ۲

ماجرای خبرسازی رسانه سعودی درباره بازجویی از یک مقام ارشد سپاه چیست؟

سیرک صهیونیستی با بازی اوباش

صفحه ۲

تأملی بر ظرایف امر به معروف و نهی از منکر در مسأله حجاب و پرهیز از دوقطبی‌سازی کاذب

دل متعلق به این جبهه است

با یادداشت‌هایی از آیت‌الله سیدحسن عاملی و حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه

■ بایسته‌های امر به معروف و نهی از منکر در منظومه فکری امام خمینی(ره)

صفحه ۵

نگاه

جامعه‌شناسانی که میهمانی ۱۰کیلومتری عید غدیر را ندیدند

رها عبداللهی: هفته گذشته در روز عید غدیر شاهد جلوه باشکوهی از سرمایه اجتماعی ایران در یک نقطه از پایتخت آن هم برای پاسداشت یک جشن مذهبی بودیم. حضور حدود ۳ میلیون تهرانی در «میهمانی ۱۰ کیلومتری عید غدیر» واقعه‌ای بی‌نظیر بود؛ اتفاقی که جا داشت جامعه‌شناسان را به تکاپو وادارد تا این واقعه را تحلیل کنند. ما عادت کرده‌ایم با هر اتفاق منفی، فضای مجازی از تحلیل‌های تند و تیز علمای اجتماعی اینستاگرامی پر شود که درباره از دست رفتن همبستگی ملی، تضعیف عقاید مذهبی و از هم‌گسستن رشته‌های جامعه ایرانی احکام «این است و جز این نیست» صادر کنند. اما در چند روز گذشته این اکانت‌ها ترجیح دادند یا این واقعه را نبینند، یا اشارات‌شان آلوده به فرافکنی و تناقض باشد.

بعضی از آنان که تاکنون تحلیل می‌کردند جامعه ایرانی از تمایلات دینی فاصله گرفته و دلیلش را هم ایدئولوژیک بودن اقدامات حاکمیت عنوان می‌کردند، حالا می‌دیدند برخلاف تحلیل‌های همیشگی‌شان، در پایتخت حول یک امر دینی تجمع میلیونی اتفاق افتاده. اینان ترجیح دادند دست به فرافکنی زده و از این اتفاق فقط ترافیکش را ببینند و از بی‌برنامگی شهرداری در بستن خیابان‌ها بنالند. بدون اینکه بپذیرند به هر حال همه مراسمات و فستیوال‌های بزرگ در دنیا چنین تبعاتی دارد و در برنامه معمول شهر تغییراتی به وجود می‌آورد که چندان با اهمیت نیست؛ آن هم در یک روز تعطیل!

البته در برخی از این تحلیل‌ها سعی شد حضور این جمعیت بالا به عوامل دیگری جز تعلقات دینی ربط داده شود که باز هم با تحلیل‌های سابق‌شان تناقض داشت. مثلا از تاثیر تبلیغات چند روزه رسانه ملی بر افزایش جمعیت این مراسم می‌گفتند؛ حال آنکه همیشه معتقد بودند رسانه ملی دنبال‌کننده زیادی ندارد و تاثیرش بر جامعه ایرانی را از دست داده و کسی به آن اعتماد نمی‌کند.

یا تلاش کردند دلیل این حضور را نیاز شدید مردم به شادی عنوان کنند که مثلا حاکمیت تا به حال از مردم سلب کرده؛ که البته نکته قابل توجهی است اما ناقص است، چراکه باز هم سعی می‌کند نادیده بگیرد این شادی حول یک امر دینی شکل گرفته نه آن نوع شادی که همواره تحلیلگران غرب‌گرا به عنوان میل و مطالبه اکثریت مردم مطرح می‌کنند.

کمتر کسی از ظرفیت دینی زنده درون جامعه ایرانی که موجب چنین اجتماع عظیم آکنده از معنای مذهبی شده بود، نوشت.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

جنگ اوکراین، ضد حمله روسیه

شروین طاهری: افکار عمومی جهان سال ۲۰۱۴ میلادی را عمدتا با جام‌جهانی برزیل و اشغال وحشیانه شرق و شمال عراق توسط تروریست‌های داعش در داغ‌ترین ماه‌های سال به یاد می‌آورد اما اگر از منظر امروز به وقایع آن روزها فلش‌بک بزنیم، می‌توان مشاهده کرد نطفه جنگ اوکراین که از آن به عنوان یک تحول اساسی در هژمونی حاکم بر جهان یا حتی آغاز جنگ سوم جهانی یاد می‌شود، در روزهای سرد آغازین سال ۲۰۱۴ بسته شده بود. پاییز ۱۳۹۲ شمسی که سال میلادی ۲۰۱۳ به سمت تحویل شدن می‌رفت، گروهی شبه‌نظامی تحت عنوان «باندریست‌ها» با نشان‌های نئونازی و کدهای پوششی و رفتارهای فاشیستی مربوط به آلمان نازی در قلب کی‌یف، پایتخت اوکراین نمایش قدرت دادند. آنها از زیر بته به عمل نیامده بودند، بلکه یک گروه شناخته شده به قدمت ۹۰ سال بودند که بر اساس روایت‌های تاریخی چه در غرب و چه در شرق، نام‌شان در تاریخ معاصر اوکراین و اروپا با نسل‌کشی‌های مکرر علیه روس‌ها، کاساک‌ها، لهستانی‌ها، مجارها، رومانیایی‌ها، مسلمانان تاتار و یهودیان بویژه در استپ دونباس گره خورده بود. این شبه‌نظامیان به سرعت نقش تاریخی خود را به عنوان پیاده‌نظام غرب در قلمروی متحدان روسیه بازیافته و تظاهرات ضددولتی در میدان استقلال جنب ارگ حکومتی کی‌یف (نازال ژنوستی) را که در ابتدا تحت عنوان «میدان»- با الهام از جنبش‌های ضددیکتاتوری بهار عربی- برپا شده بود، تبدیل به یک جنگ شهری علیه نیروهای پلیس کردند.

این در حالی بود که اتحادیه اروپایی با حمایت کامل واشنگتن و ناتو، دست‌کم از یک دهه پیش از آن دولت اوکراین را بر سر دوراهی عضویت در اتحادیه گمرکی روسیه یا شراکت با نظام یورو، زیر فشار قرار داده بود. رئیس‌جمهور وقت «ویکتور یانوکوویچ» که به مسکو نزدیک بود، پاییز ۲۰۱۳ از پذیرش شروط اروپایی‌ها سر باز زد و این دلیل اعتراضاتی بود که بخش غرب‌گرای جامعه بشدت دوقطبی شده اوکراین تحت عنوان «جنبش میدان» علیه دولت مستقر آغاز کرده بودند.

این تظاهرات با هدایت، حمایت و حتی حضور عالی‌ترین مقامات آمریکا و اتحادیه اروپایی و دستیاران تابلودار جرج سوروس طی تقریبا ۲ ماه، هر چه بیشتر رنگ خشونت به خود گرفت و در نهایت تبدیل به یک کودتای آشکار نظامی توسط باندریست‌ها شد. رسانه‌های شرکتی غربی هیچ‌گاه به این حقیقت اذعان نکردند که آنچه انقلاب اوکراین خواندند، در واقع یک کودتا علیه دولت دموکراتیک مستقر در اروپای مدعی دموکراسی بود، با این حال شواهد غیرقابل انکار هستند. انبوهی از تصاویر مربوط به آن روزها، حامیان به اصطلاح مدنی ادغام اوکراین در اتحادیه اروپایی را با بدن‌های تنومند در یونیفرم‌های نظامی متحدالشکل، مجهز به سلاح‌های سرد و همراه بازوبندهایی منقش به صلیب شکسته هیتلری یا آرم نازی‌های باندرا نشان می‌داد که پرچم‌هایی با محتوای مشابه را بالا برده‌اند و به سبک نازی‌ها سلام می‌دهند. یکی از پرکاربردترین پرچم‌ها، یک بنر افقی بود که در آن تصویر «استفان باندرا» به همراه شعارهای نژادپرستانه او میان پرچم اوکراین و پرچم باندریست‌ها - شبیه بیرق رایش سوم- نقش بسته بود. امروز حتی در فرهنگ‌نامه انگلیسی بریتانیکا نیز به این موضوع اشاره شده که وقتی پیاده‌نظام لباس شخصی‌های جنبش «میدان» که عمدتا اهل شهرهای غربی لویو و ایوانو فرانکیفسک بودند، با چنین نمادهای آشکاری ساختمان‌های دولتی ساحل مارینسکی کی‌یف در اطراف «میدان» را اشغال می‌کردند، مقامات اروپایی و آمریکایی در جمع آنها حاضر می‌شدند و همزمان بروکسل و واشنگتن، دولت یانوکوویچ را تهدید به وضع تحریم‌های بین‌المللی در صورت رد درخواست معترضان می‌کردند. در نهایت دولت یانوکوویچ مجبور به سازش با شبه‌نظامیان شد اما پول‌پاشی غرب در میان سیاستمداران، مدیران و نظامیان حکومت تضعیف شده اوکراین، کار خود را کرده بود. یک روز بعد از امضای توافقنامه آتش‌بس، شورشیان زیر قول خود زدند و سرانجام روز ۲۳ فوریه حکومت همراه با اشغال ساختمان ریاست‌جمهوری، دفتر نخست‌وزیری و بیرون کردن نمایندگان اکثریت از ساختمان رادا (پارلمان) سقوط کرد. رئیس‌جمهور تحت فشار مجبور به استعفا شد و به روسیه فرار کرد.

مضحک آنکه نازی‌های مورد حمایت غرب نام میدان استقلال کی‌یف را به میدان یورو تغییر دادند تا نسبت خود را با استقلال اوکراین مشخص کرده باشند.

«دیوید اشترن» خبرنگار اعزامی بی‌بی‌سی به اوکراین، روز ۲۰ فوریه - ۳ روز قبل از سقوط دولت یانوکوویچ و استقرار کودتاچیان در حکومت- در گزارشی با عنوان «راست‌های افراطی اوکراین؛ کم‌شمار ولی اثرگذار» صریحا به این موضوع اعتراف کرد که معترضان نه نماینده اکثریت مردم اوکراین بوده‌اند و نه ماهیتی دموکراتیک و لیبرال داشته‌اند. حتی در میان منابع روس یا اوکراینی مخالف کودتاچیان مورد حمایت غرب نیز به زحمت بتوان تصویری دقیق‌تر از آنچه این خبرنگار انگلیسی از کی‌یف در فوریه ۲۰۱۴ ارائه داده، پیدا کرد. به همین دلیل پاراگراف‌های ابتدایی گزارش او را عینا به نقل از بی‌بی‌سی فارسی در اینجا مرور می‌کنیم:

«روسیه به رهبران جدید اوکراین و تظاهرکنندگان و مخالفانی که دولت ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهوری این کشور را سرنگون کردند، برچسب فاشیست زده است ولی نقش راست‌های افراطی در بحران اخیر اوکراین چیست؟

در کی‌یف، در یکی از محل‌هایی که مخصوص بزرگداشت قربانیان تظاهرات ضد دولتی است، در میان دریایی از شمع و گل یک پرچم پلاستیکی کوچک اسرائیل نیز دیده می‌شود... در داخل تالار مرکزی انجمن شهر کی‌یف که یکی از پایگاه‌های عملیات مبارزه است، یک نوار پارچه‌ای بزرگ آویخته شده که مزین به پرچم سلت‌ها (قومی که در ایرلند و انگلستان و بخشی از اروپا زندگی می‌کردند) و یک نماد «برتری نژاد سفید» و نیز یک پرچم کنفدراسیون آمریکاست. در بالای در ورودی، عکس بزرگی از استفان باندرا، رهبر پارتیزان‌های ناسیونالیست اوکراین در جنگ دوم جهانی که زمانی با نازی‌ها متحد شده بود، نصب شده است. این ۲ تصویر نمایانگر این است که در جنبش تظاهرات جمعی اوکراین، تا چه حد موضوع دست‌راستی‌های افراطی، پیچیده و دارای تضاد است».

تضادی که خبرنگار بی‌بی‌سی توصیف می‌کند، همان تضاد بزرگی است که میان رویکرد تبلیغاتی ضدنازی و ضدهیتلری دستگاه پروپاگاندای غرب از دهه سوم قرن بیستم میلادی تاکنون وجود دارد، آن هم با حمایت سیاسی، مالی و رسانه‌ای بی‌شرمانه غرب از میراث‌داران نازی‌ها. وقایع اخیر اوکراین، از کودتای فوریه ۲۰۱۴ تا جنگ فوریه ۲۰۲۲، کلکسیونی بی‌نظیر از سیاست ریاکارانه صهیونیست‌های راهبر حلقه نومحافظه‌کاران اشتراوسی و واشنگتن و لندن فراهم آورده است: نازی‌ستیزی و تروریست‌ستیزی در حرف، توأم با فاشیست‌پروری و تروریست‌پروری در عمل.

■ **غرب و نوازش نازی‌ها**

«وطن‌امروز» پس از سقوط دولت قانونی اوکراین در سرمقاله‌ای به تاریخ دهم اسفند ۱۳۹۲ با عنوان «چرا غرب «نازی»ها را نوازش می‌کند؟» به این ریاکاری غرب اشاره کرده و از همان موقع درباره تبدیل شدن یک کشور منسجم به «اوکراین سابق» پیش‌آگاهی داده و یک جنگ تمام‌عیار به محوریت نازی‌ها در مرز با روسیه را پیش‌بینی کرده بود. در این مقاله آمده بود: «آنها را خوب می‌شناسید! ۷۰ سال است از لحظه مغلوبه شدن جنگ دوم جهانی، رل آدم بدهای فیلم‌های آمریکایی و اروپایی را به تسخیر خود درآورده‌اند. آنها تجسم همه پلشتی‌ها و خباثت‌ها و حماقت‌های بشری هستند، فقط و فقط چون «نازی» هستند. تحت تاثیر پروپاگاندای غرب، امروز اگر از یک بچه‌مدرسه‌ای در جزایر ماداگاسکار بپرسید «نازی» چیست؟ قطعا جواب می‌دهد از سرطان هم بدتر است. شاید هم باشد چون آنهایی که کشور مقتدری مثل اوکراین را ظرف ۲ ماه به این روز انداخته‌اند، خود ادعا می‌کنند نازی هستند. بدنه اصلی شورشیان میدان «استقلال» کی‌یف که درست یک هفته پیش کودتایی همه‌جانبه را علیه پارلمان، دولت و رئیس‌جمهور قانونی این کشور به راه انداختند، توسط حزب اتحاد تمام اوکراینی (اسووبودا) و کنگره ملی‌گرایان اوکراین سازماندهی شده بود که هر دو رسما نازی هستند و طرفداران‌شان که البته از غرب اوکراین به کی‌یف آمده بودند... از نظر آنها تنها راه طبیعی برای در دست گرفتن قدرت مرکزی ادامه جنگ خیابانی تا سطح بروز یک جنگ داخلی است و اتفاقا این همان هدفی است که کاخ۲سفید از حمایت نازی‌های اوکراین دنبال می‌کند. سابقه حمایت این گروه‌های فاشیستی توسط آمریکا به دوران جنگ سرد بازمی‌گردد. در دهه ۸۰ رونالد ریگان در کاخ‌سفید به رهبر نازی‌های اوکراین رسما نشان افتخار اهدا کرد. «لو دوبریانسکی» معاون وی، در دستگاه دیپلماسی آمریکا استخدام شد و به مقام سفیری رسید. این روند تا امروز ادامه پیدا کرده و نازی‌های اوکراین به عنوان ارتشی خاموش علیه روسیه تا روز کودتای ۲۲ فوریه در کی‌یف حفظ شدند... حامی کودتا «جان مک‌کین» در سنا برای لابی NED کار می‌کند که همان بنیاد «حمایت ملی برای دموکراسی» است و ۲ حمله نظامی بزرگ اخیر آمریکا را پایه‌ریزی کرده است. «ویکتوریا نولاند» میزان این کمک‌ها را ۵ میلیارد دلار برآورد کرده است که بیشتر این پول، صرف حقوق شبه‌نظامیان و آن تظاهرکنندگان دموکراتی شده که آخر سر کودتاچی از آب درآمدند. بیرکوت، پلیس مخفی دولت وقت کی‌یف، تماس‌های نولاند با مقامات ناتو را که خواستار تجهیز و حمایت مالی شورشیان شده بود، رصد و افشا کرد».

■ **باندریست‌ها، مزدوران همیشگی غرب**

فاشیست‌های باندرا تحت عنوان «سازمان ملی‌گرایان اوکراین» OUN با وجود شعارهای نژادپرستانه و ضدیهود، از ابتدای موجودیت‌شان در سال ۱۹۲۹ میلادی توسط دولت‌های غربی و آژانس یهود حمایت می‌شدند. غربی‌ها می‌خواستند با برکشیدن ملی‌گرایان افراطی در اروپا همانند نازی‌های آلمان و فاشیست‌های ایتالیا و اسپانیا، آنها را به جان دشمن شرقی کمونیست‌شان یعنی شوروی بیندازند. صهیونیست‌های آژانس یهود نیز به رهبری خاندان‌های روتشیلد و موزس در اروپا و راکفلر و گلدمن در آمریکا با سرمایه‌گذاری روی این جریان، فوج‌فوج نیروی انسانی مورد نیاز برای تشکیل دولت یهود (اسرائیل) مورد ادعای‌شان را که از اروپا می‌گریختند، در بنادر فلسطین آن زمان تحویل می‌گرفتند. پس از جنگ دوم جهانی، آمریکایی‌ها نه‌تنها برخلاف شعارهای ضدنازی‌شان، رسما از باندرا که همدست جنایت‌های هیتلر در اوکراین بود، تقدیر کردند، بلکه او را از چنگ روس‌ها فراری داده و تحت‌الحفظ در آلمان مستقر کردند. پس از فروپاشی شوروی، غرب اوکراین به اردوگاهی ایده‌آل برای بازپروری فاشیست‌ها علیه روسیه جدید تبدیل شد. کودتای میدان، اوکراین را رسما به دست نومحافظه‌کاران اشتراوسی انداخت. این حلقه صهیونیستی حکومت سایه آمریکا به لطف جو بایدن، معاون وقت اوباما از سمت جمهوری‌خواه به سمت دولت دموکرات‌ها چرخیدند. «ایهور کولومویسکی» الیگارش گازی اسرائیلی-اوکراینی در هماهنگی با «جیک سالیوان» و «تونی بلینکن» ۲ بازوی سیاست خارجی و تجاری بایدن، رهبری کارتل نومحافظه‌کاران را در داخل این کشور به دست گرفت. افشاگری‌های ترامپ علیه فساد مالی باند بایدن در اوکراین در همین راستا بود.

به نوشته «جفری دی ساچز» تحلیلگر تارنمای آمریکایی مستقل کنسرسیوم‌نیوز، با روی کار آمدن دولت بایدن، آنها در موقعیت اجرای کامل پروژه جنگ‌افروزی علیه روسیه با هدف مشغول کردن خرس شرقی از یک طرف و به دام انداختن اروپا از طرف دیگر قرار گرفتند.

سالیوان کماکان مشاور امنیت ملی است و بلینکن، وزیر خارجه، در حالی که نولاند همسر رابرت کیگان، مشاور، مرشد و مغز منفصل بایدن سالخورده است. او کمی پیش از آغاز جنگ اوکراین به مسکو رفت و در کمال وقاحت خواهان استعفای «ولادیمیر پوتین» از ریاست‌جمهوری روسیه و جایگزینی یک مهره هماهنگ با واشنگتن شد و تهدید کرد در غیر این صورت اقتصاد روسیه را نابود خواهد کرد. بلافاصله از مسکو به اوکراین پرواز کرد و به «ولودیمیر زلنسکی» کمدین و نوچه «ایهور کولومویسکی» در کاخ ریاست‌جمهوری، دستور داد «دیمیترو یاروش» رهبر معنوی نازی‌ها، فرمانده نیروهای داوطلب در ارتش اوکراین و نماینده رادا (پارلمان) را برخلاف میلش به عنوان مشاور ویژه فرمانده ارتش ژنرال «والری زالوژنی» منصوب کند. یاروش بلافاصله در رسانه‌ها از سرهنگ «آندری بیلتسکی» که نازی‌های اوکراین او را «پیشوای سفید» می‌خوانند و همین‌طور گردان آزوف متشکل از نازی‌های بین‌المللی در شرق کشور حمایت کامل کرد. این گردان که خود را علنا عضو «اس‌اس» رایش جدید می‌خواند، از تابستان ۲۰۲۱ مستقیما تحت قرارداد شرکت نظامی خصوصی آمریکایی آکادمی (بلک‌واتر سابق) قرار دارد. در این میان ذخیره‌سازی تسلیحات بیولوژیک و غنی‌سازی اورانیوم و پلوتونیوم به شکل مخفیانه در این کشور در حال انجام بود. ناگهان زلنسکی نیز در کنفرانس امنیتی مونیخ سودای اوکراین هسته‌ای را مطرح کرد. زمستان گذشته از یک ماه قبل از دستور پوتین برای آغاز عملیات ویژه در اوکراین، گردان‌های آزوف و آیدار، تحت هدایت باندریست‌های نازی و متشکل از انبوهی از مزدوران خارجی، پیشاپیش ۱۲۰ هزار نیروی ویژه ارتش اوکراین مجهز به پیشرفته‌ترین تسلیحات ناتو، حمله به مناطق مسکونی روس‌نشین دونتسک و لوهانسک را آغاز کردند که نقض توافق ۲۰۱۵ مینسک بود. این حرکت یاروش و دولت کی‌یف معنایی جز اعلان جنگ به روسیه نداشت و طبعا طرف قوی‌تر بود که اقدام به جنگ پیشگیرانه کرد.